

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه خطبه جمعه

مورخه ۲۰ اکتبر ۲۰۲۰ مصادف با ۳۰ آبان ۱۳۹۹

سیدنا امیر المومنین پنجمین خلیفه حضرت مسیح موعود علیه السلام بتاريخ ۲۰ اکتبر ۲۰۲۰ مصادف با ۳۰ آبان ۱۳۹۹ در مسجد بیت المبارک اسلام آباد تلفورد خطبه جمعه ایراد فرمودند که با ترجمه شده در زبان های مختلف بر ایم تی ای زنده پخش شد.

حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز سلسله ذکر خیر اصحاب بدر را ادامه دادند و محاسن حضرت عوف بن حارث بن رفاعه انصاری رضی الله عنه را بیان فرمودند، و در این مورد فرمودند: اولین صحابی ای که امروز از او ذکر خیر می شود، اسمش حضرت عوف بن حارث رفاعه انصاری است. حضرت عوف از قبیله بنونجار انصار بود. حضرت معاذ و حضرت معوذ برادران حضرت عوف بودند. حضرت عوف یکی از آن شش انصاری است که اول از همه به مکه آمده و بیعت کرده بودند و وی در بیعت عقبه هم حضور داشت. در روز غزوه بدر هنگامی که جنگ جاری بود، حضرت عوف بن عفرا از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پرسید: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم خداوند متعال از کدام عمل بنده خود بیشتر خوشحال می شود؟ حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: از این که دستش در جنگ مشغول باشد و بدون زره هم بی هیچ ترس و لرز بنجنگد یعنی اگر در میدان جنگ است پس باید در آنجا نترس و شجاع باشد آنگاه حضرت عوف بن عفرا زره خود را درآورد و رفت و شروع

به جنگ کرد و در حال جنگیدن شهید شد. در کتب احادیث اسم شان هم در آن اصحاب ذکر شده است که روز بدر به ابو جهل حمله کردند.

صحابی دیگری که حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز ذکر خیرش فرمودند، حضرت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه بودند. حضور انور فرمودند: نامش حضرت خالد و نام پدرش زید بن کلیب بود، وی با نام و کنیه هر دو معروف است. حضرت ابوایوب انصاری از قبیله خزرج و شاخه بنونجار بود، وی سعادت پیدا کرد که در هنگام دومین بیعت عقبه به همراه هفتاد انصاری بیعت بکند. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بین حضرت ابوایوب انصاری و حضرت مصعب بن عمیر پیمان برادری بسته بودند. هنگامی که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم [از مکه] هجرت نموده و به مدینه تشریف آوردند، ایشان تا زمان ساخته شدن مسجد نبوی و خانه‌هایشان در منزل حضرت ابوایوب انصاری اقامت نمودند.

حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز از اقتباسات حضرت مصلح موعود میرزا بشیر الدین محمود احمد رضی الله عنه خلیفة المسیح الثانی و حضرت میرزا بشیر احمد رضی الله عنه «پسر مسیح موعود علیه السلام شرح این تمام احوال بیان فرمودند. که برای حصول سعادت میهمانی حضور اکرم صلی الله علیه و آله وسلم هر کسی از قبیله بنو نجار آرزو داشت چنانچه از فرط شور و محبت داشتند افسار ناقه حضرت رسول کریم صلی الله علیه و آله وسلم را به دست می گرفتند، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: ناقه‌ام را رها کنید، اکنون این مامور است یعنی هر جایی که مشیت خدا باشد، در آنجا خود به خود خواهد نشست. افسار ناقه را آزاد گذاشتند و آن یواش یواش به جلو رفت و و وقتی که به زمین بایر و ویران دو کودک

یتیم مدینه رسید که بعداً در آن مسجد نبوی و خانه‌های حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ساخته شد، نشست. حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: هذا ان شاء الله المنزل ظاهراً در مشیت خدا همین قرارگاه ماست. و پرسیدند: از میان افراد خودمان یعنی مسلمانان منزل چه کسی نزدیکتر است؟ ابویوب انصاری بلافاصله سریع جلو آمد و عرض کرد: یا رسول الله، خانه‌ام، و این در آن است، لطفاً تشریف بیاورید. حضور اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در طبقه همکف ساکن شدند. وقتی شب شد، ابویوب و همسرش تمام شب به سبب این فکر خوابشان نبرد که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم زیرشان هستند و ما بالای ایشان هستیم و افزون بر آن، این اتفاق افتاد که از دستشان یک ظرف آب شکست و ابویوب از ترس اینکه مبادا قطره‌ای از آن پایین بچکد بلافاصله لحاف خود را روی آب انداخت و آن را خشک کرد. هنگامی که صبح شد، وی در خدمت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حاضر شد و با اصرار زیاد درخواست کرد که حضرت در طبقه بالا ساکن شوند، حضرت اول کمی تأمل کردند اما سپس با دیدن اصرار شدیدش به اقامت در طبقه اول راضی شدند. در این خانه، حضرت هفت ماه سکونت نمودند. ابویوب در خدمت آن حضرت غذا می‌فرستاد و غذایی که باقی می‌ماند آن را خودش میل می‌کرد و از روی عشق و اخلاص انگشت‌های خود را همانجا می‌گذاشت که از آنجا حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می‌خوردند. باری، حضرت ابویوب برای حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم غذایی تدارک دید که در آن سیر ریخته شده بود، هنگامی که ظرف‌ها باگردانده شدند، وی درباره انگشت‌های حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پرسید که انگشت‌هایشان به کجاها می‌خورده است، آن کسی که ظرف‌ها

را آورده بود گفت که امروز حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم غذا میل نکردند، وی نگران شد و به سوی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بالا رفت و پرسید: آیا سیر حرام است؟ حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: نخیر، حرام نیست ولی من آن را دوست ندارم. آنگاه ابویوب انصاری گفت: چیزی را که شما دوست ندارید، من هم دوست ندارم. راوی می گوید که بر حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرشتگان نازل می شدند و وحی می آوردند لذا حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم هیچ چیز بوداری را نمی پسندیدند اما این حرام نیست.

حضرت ابویوب انصاری سعادت یافت که به همراه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در غزوه بدر، غزوه احد، غزوه خندق و تمام غزوات دیگر شرکت کند.

هنگامی که ازدواج حضرت صفیه اتفاق افتاد، آن شب حضرت ابویوب انصاری تمام شب بیرون از اردوی حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم با شمشیر برهنه نگهبانی داد و در هر چهار طرف اردو مدام چرخ زد، هنگامی که صبح شد، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضرت ابویوب را بیرون از اردوی خود دیدند و فرمودند: ای ابویوب چه شده است؟ وی عرض کرد: یا رسول الله، من از این زن ترسیدم چون پدر و شوهرش و مردم هم قومش کشته شده اند و این تازه کفر را رها کرده است، لذا من با فکر اینکه از شما محافظت کنم، تمام شب نگهبانی دادم آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در حق حضرت ابویوب انصاری دعا خواندند که اللهم احفظ ابا ایوب کما بات یحفظنی که پروردگارا، از ابویوب محافظت کن چنانکه او تمام شب از من محافظت نمود.

حضور انور ایده الله تعالى بنصره العزيز یک روایت از حضرت محمود بن ربیع را بیان فرمودند که در آن آمده است که حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: خداوند متعال آتش را بر آن کسی حرام کرده است که لا اله الا الله را پذیرفته باشد و از آن طالب رضای الهی باشد. وقتی این روایت پیش حضرت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه بردند ایشان گفتند: حضرت ابوایوب سختم را رد کرد و گفت: بخدا من فکر نمی‌کنم که رسول خدا صلی الله علیه و سلم اینچنین گفته باشند که تو گفته‌ای یعنی آتش بر کسی که فقط لا اله الا الله بگوید حرام است. درباره این حضرت میرزا بشیر احمد هم نظر خود را نوشته است که در حدیث همین آمده است که من قال لا اله الا الله یتغی بذالک وجه الله، حضرت میرزا بشیر احمد در ادامه می‌نویسد که در این روایت حضرت ابوایوب انصاری حدیثی را رد کرده است که از لحاظ اصول و مبانی روایت درست بود، اما حضرت ابوایوب بر مبنای درایت خود، بر مبنای تصویری که در ذهنش بود از پذیرفتن این حدیث سرباز زد، حضرت میرزا بشیر احمد در ادامه می‌خواهد ثابت کند که صحابه همین‌طوری هر حدیث را قبول نمی‌کردند بلکه آنها تعمق و تحقیق می‌کردند. در شرح این حدیث صحیح بخاری، حضرت سید ولی الله شاه نوشته است که اما جمله یتغی بذالک وجه الله حاکی از این است که این اقرار توحید از چه نوع باید باشد یعنی کسی که قلباً به خاطر جلب رضای خدا لا اله الا الله می‌گوید، بر او آتش حرام است.

باری حضرت ابوایوب در ریش مبارک حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ذره‌ای یا ریزه‌ای و غیره را دید و آن را برداشت و به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نشان داد آنگاه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: خدا از

ابوایوب آن چیزی را دور کند که آن را وی دوست ندارد . حضرت ابوایوب انصاری در جنگ جمل و جنگ صفین و جنگ نهروان در لشکر حضرت علی بود و حضرت علی اعتمادی که بر ذات حضرت ابو ایوب انصاری داشت از این امر آشکار می‌شود که وقتی حضرت علی کوفه را دارالخلافه خود قرار دادند و آنجا منتقل شدند حضرت ابو ایوب انصاری را والی مدینه برگماشتند و او تا ۴۰ هجری والی مدینه ماند حتی در فرماندهی یسر بن ابوار تاع سپاه شامی امیر معاویه مدینه را تاخت، آن زمان حضرت ابو ایوب انصاری مدینه را وداع گفت و پیش حضرت علی به کوفه رفت. در عهد حضرت امیر معاویه رضی الله عنه حضرت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه به بصره رفت و در خانه حضرت ابن عباس ساکن شد. حضرت ابن عباس برای وی منزل خود را تخلیه کرد و گفت که: من همانندی که با پیامبر اکرم رفتار کردی با شما خواهم کرد، به گونه‌ای که شما از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پذیرایی کردید، من از شما می‌کنم حضرت ابن عباس به خانواده خود دستور داد و خانواده او از خانه خارج شد. حضرت عباس گفت که تمام دارای خانه مال شما است و او چهل هزار درهم و بیست غلام به تحویل حضرت ابو ایوب داد. . در زمان امارت عقبه حضرت ابو ایوب دو بار به مصر مسافرت کرد. اولین سفر به خاطر حدیث بود. فقط به خاطر یک حدیث حضرت ابو ایوب در پیرانسانی سختی‌های سفر را تحمل کرد. از ابو عبد الرحمن هبلی مروی است که ما در دریا بودیم [مسافرت دریای می کنیم] و عبد الله بن قیس فزاری بر ما امیر بود و حضرت ابو ایوب انصاری نیز همراه ما بود. او از کنار کسی رد شد که اموال غنیم را تقسیم می‌کرد و داشت از اسیران نگهبانی می‌کرد. حضرت ابو ایوب چه می‌دید که زنی به گریه افتاده است، او استفسار کرد که با او

چه اتفاق افتاد. مردم گفتند که پسرش را از اش جدا کردند. راوی می‌گوید که آن وقت او دست بچه را گرفت و به دست مادرش داد. سپس تقسیم کننده اموال غنیمت پیش عبد الله بن قیس رفت و ماجرا را تعریف کرد عبد الله بن قیس حضرت ابو ایوب را فرا خواند و پرسید چرا این کار را کردی؟ او [حضرت ابو ایوب] گفت که من از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم شنیدم: کسی که مادر و بچه اش را از هم جدا کرد خداوند در روز رستاخیز میان او و محبوبان او مفارقت خواهد انداخت.

بعد از بیان فرمودن این روایت حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز به رفتار غیرانسانی که در امریکا و کشورهای پیشرفته با پناهندگان خارجی می‌کنند، اشاره کردند و فرمودند که معترضین اسلام باید ببینند که نمونه خود شان چیست. . به هر حال اسلام تا این حد تاکید می‌ورزد که مادرها را از بچه‌ها ای شان جدا نکنید و بدین طریق یک دیگر را اذیت نکنید.

فضل و کمال حضرت ابو ایوب انصاری تا این حد مسلم بود که خود اصحاب از او راجع به حل مسائل دریافت می‌کردند. حضرت ابو ایوب انصاری رضی الله عنه بعد از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم تا وفات خود در جهاد مشغول بودند و در ۵۲ هجری در قسطنطنیه فوت کردند، مزار حضرت ایوب انصاری در استانبول ترکیه قرار دارد.

حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز فرمودند: اکنون ذکر اصحاب بدر به پایان رسیده است، انشاءالله ذکر چهار خلیفه در آینده بیان خواهم کرد. قبلا به اختصار بیان شده است اما اکنون به طور مفصل بیان خواهم کرد. همینگونه قبلا ذکر برخی

صحابه به طور اختصار بیان شده بود اگر اطلاعات بیشتر درباره آنان فراهم شد، آن هم بیان خواهم کرد.

حضور انور ایده الله تعالی در اختتام خطبه ذکر خیر ۴ مرحومین را فرمودند و بعد از نماز جمعه جنازه میت شان را اقامه کردند.

1. جناب عبدالحنی مندل معلم سلسله از هند ایشان روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۰ به سبب سگته قلبی درگذشتند. انا لله و انا الیه راجعون. در بازماندگان ایشان همسر و دو هسر و دو دختر هستند.

2. سراج الاسلام معلم سلسله ناحیه مرشد آباد بنگال، روز ۱۴ اکتبر ۲۰۲۰ به ۶۰ سالگی درگذشتند. انا لله و انا الیه راجعون. در بازماندگان جناب مرحوم همسر و سه دختر هستند،

3. جناب شاهد احمد خان پاشا، نوه حضرت مسیح موعود علیه السلام و حضرت نواب محمد علی خان و پسر حضرت نواب امة الحفیظ و حضرت نواب عبدالله خان، ایشان روز ۲۶ اکتبر به سال ۸۵ سالگی درگذشتند انا لله و انا الیه راجعون. جناب شاهد احمد خان دو همسر داشتند. اولین همسر خانم امة الشکور که دختر حضرت خلیفة المسیح الثالث بودند. از همسر اول پنج تا بچه دارند که دو پسر و سه دختر هستند. ازدواج دوم ایشان در سال ۱۹۷۷ با خانم ثمینه سعید دختر جناب سعید احمد مرحوم شد. ایشان یک پسر از همسر دوم دارند که در آمریکا است.



4. جناب سید مسعود احمد شاه شیفلد بریطانیا، روز ۸ سپتامبر به سبب سخته قلبی درگذشتند. انا لله و انا الیه راجعون. در بازماندگان جناب مرحوم همسر و یک دختر هستند، حضور انور ایده الله تعالی بنصره العزیز برای همه مرحومین دعای مغفرت کردند.